

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ


MRT Sport

١٥٥٩ -



دانشگاه بیرجند

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

رساله ی پایان تحصیل کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

زبان عامه در غزلیات صائب

استاد راهنما: جناب آقای دکتر محمد بهنام فر

استاد مشاور: سرکار خانم دکتر بتول مهدوی

۱۳۸۸ / ۱۲ / ۲۶

پژوهشگر: غلامحیدر عباسی

سال تحصیلی ۸۷ - ۱۳۸۶

کتابخانه مرکزی
شعبه ادبیات

۱۳۳۹۰۰



تاریخ:
شماره:
پیوست:

صور تجلسه دفاع از پایان نامه ی تحصیلی دوره ی کارشناسی ارشد

با تأییدات خداوند متعال، جلسه ی دفاع از پایان نامه ی تحصیلی کارشناسی ارشد آقای غلام حیدر عباسی
به شماره دانشجویی: ۸۵۲۳۲۰۷۰۳۸ رشته: زبان و ادبیات فارسی گرایش: -

دانشگاه بیرجند

دانشکده: ادبیات و علوم انسانی

تحت عنوان: زبان عامه در غزلیات صائب تبریزی

مورخ: ۸۷/۱۱/۱۷

روز: دوشنبه

واحد در ساعت: ۱۰

به ارزش: ۴

با حضور اعضای محترم هیأت داوران متشکل از:

امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	سمت
	استادیار	دکتر محمد بهنام فر	استاد راهنمای اول
	—	—	استاد راهنمای دوم
	استادیار	دکتر بتول مهدوی	استاد مشاور اول
	-	-	استاد مشاور دوم
	استادیار	دکتر علی اکبر سام خانیانی	داور اول
	استادیار	دکتر مرادعلی واعظی	داور دوم
	استادیار	دکتر سیده مهدی رحیمی	نماینده تحصیلات تکمیلی

تشکیل گردید، نتیجه ارزیابی به شرح زیر مورد تأیید قرار گرفت:

قبول (با درجه: و امتیاز: ۱۹ (از ۲۰) دفاع مجدد مردود

۱- عالی (۱۸-۲۰) ۲- بسیار خوب (۱۶-۱۷/۹۹) ۳- خوب (۱۴-۱۵/۹۹) ۴- قابل قبول (۱۲-۱۳/۹۹)

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، اقتباس
و ... از پایان نامه کارشناسی ارشد یا رساله دکتری برای
دانشگاه بیرجند محفوظ است.
نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

تقدیم به:

مادر مهربانم

هدیه به:

همسر و فرزند عزیزم

چکیده

عصری که صائب و دیگر شاعران سبک هندی یا اصفهانی در آن قرار دارند، مصادف با اوج اقتدار و عظمت حاکمان شیعه مذهب صفوی است. دوره ای است که حاکمان با اینکه خودشان اهل ذوق و قریحه ی شاعری هستند ولی متمایل نیستند، شاعران زبان به مدح آنها بگشایند و شاعران ممدوحی ندارند که او را بستایند و در مقابل آن صله ای دریافت کنند. لذا تحولی بزرگ در شعر و شاعری به وجود می آید شعر از دربار رخت بر می بندد و در بین عموم مردم رواج می یابد. به تعبیر دیگر، شعر و شاعری مردمی می شود. چرا که شاعر بودن در این دوره شرایط خاصی از جمله آشنایی به فنون شعر و شاعری نداشت. بیشتر شاعران این عصر اهل پیشه و حرفه بودند و در کنار آن به شعر و شاعری هم می پرداختند.

شعر شاعران سبک هندی یا اصفهانی مشحون از عناصر زبان عامه است. یکی از شاعران بزرگ و مشهور این سبک که در حقیقت می توان او را نماینده ی تمام و کمال سبک هندی یا اصفهانی دانست، صائب تبریزی است. وی با وجود این که به فنون و قواعد شعری آشنایی کامل داشته و نیز دواوین گذشتگان را هم مورد بررسی قرار می داده؛ گویا در به کارگیری عناصر زبان عامه تعمدی داشته است.

صائب برای بیان مضامین اجتماعی، عرفانی و حکمی از زبان عامه که مشتمل بر لغات، ترکیبات، کنایات و ضرب المثلهاست، به صورت گسترده بهره گرفته است. کمتر بیتی از غزلیات صائب را می توان یافت که در آن از عناصر زبان عامه استفاده نشده باشد. او حتی در ردیف برخی از غزلیاتش از لغات و تعبیرات عامه از جمله: «یللی» و غیره استفاده نموده است. حتی در بعضی موارد از لغات، ترکیبات و کنایاتی استفاده کرده که در فرهنگ ها ثبت نشده و یا اگر ثبت شده به معنای مورد نظر صائب اشاره ای نشده است.

این رساله در برگیرنده ی عناصر زبان عامه است، چون مرز مشخصی نمی توان بین زبان عامه و رسمی قائل شد، تشخیص آن دو از یکدیگر کار آسانی نیست، در نتیجه نگارنده با ملاک قرار دادن زبان عامیانه ی امروزی، به استخراج و تدوین آن ها پرداخته است. جمع آوری عناصر زبان عامه کاری ارزشمند است و ما را با فرهنگ، آداب و رسوم عامه آشنا می سازد و در حقیقت آینه ای است که چهره ی یک ملت را در خود منعکس می کند. این تحقیق می تواند به عنوان فرهنگی برای صائب پژوهان و گنجینه ای ارزشمند برای حفظ عناصر زبان عامه تلقی گردد که قطعاً پشتهوانه ی قوی و استواری برای زبان رسمی و ادبی کشور نیز خواهد بود.

واژگان کلیدی: صائب، غزلیات، زبان عامه، فرهنگ عامه، سبک هندی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۵	بخش اول : اندیشه و سبک شعری صائب
۲۱	بخش دوم : زبان عامه و اهمیت آن
۲۶	بخش سوم : زبان عامه در غزلیات صائب
۲۹	فصل اول : لغات ، ترکیبات و تعبیرات کنایی عامه
۲۲۳	فصل دوم : ضرب المثل های عامه
۲۷۲	نتیجه گیری
۲۷۳	فهرست منابع و مآخذ

مقدمه

تعریف موضوع: موضوع این رساله (زبان عامه در غزلیات صائب) است. زبان عامه در زیر مجموعه ی زبان گفتار قرار دارد. زبانی است که عامه ی مردم در زندگی روزمره از آن برای ارتباط و پیام رسانی استفاده می کنند و شامل لغات، ترکیبات، تعبیرات و ضرب المثل هایی است که ریشه در فرهنگ، عقاید، باورها و سنت های قومی دارد و اساس فرهنگ جامعه ای را می سازد. زبانی است، ساده، روشن، استوار و قابل فهم و به دور از هر گونه تعقید و ابهام و در عین حال دلنشین. چراکه عوام سادگی را بیشتر از پیچیدگی و دور از فهم بودن می پسندند.

اهداف: نگارنده قبل از انتخاب موضوع به تحقیق و پژوهش در خصوص فرهنگ و زبان عامه تمایل داشت. از آن جا که آثار شاعران سبک هندی مشحون از لغات و ترکیبات و تعبیرات زبان عامه است، برجسته ترین و مشهور ترین شاعر این سبک صائب تبریزی را که شعرش سرشار از عناصر زبان عامه است انتخاب نمود. انگیزه ی دیگر از انتخاب این موضوع، تهیه و تدوین گنجینه ای از عناصر زبان عامه جهت غنا و گسترش دامنه ی واژگان زبان فارسی و کمک به فهم بهتر اشعار صائب بود.

فواید: جمع آوری عناصر زبان عامه کاری ارزشمند است و ما را با فرهنگ، آداب و رسوم عامه آشنا می سازد و درحقیقت آینه ای است که چهره ی یک ملت را درخود منعکس می کند. استخراج و تدوین این عناصر می تواند به عنوان فرهنگی معتبر برای صائب پژوهان مورد استفاده قرار گیرد و گنجینه ای ارزشمند برای حفظ لغات، ترکیبات، تعبیرات و ضرب المثل های عامه تلقی گردد که قطعاً پستوانه ی قوی و استواری برای زبان رسمی و ادبی کشور نیز خواهد بود.

پیشینه ی تحقیق: در این زمینه تا کنون تحقیق مستقلی صورت نگرفته است. کتاب ها و مقالات زیادی در خصوص صائب و سبک وی نوشته شده است؛ به عنوان نمونه کتاب های: «نگاهی به صائب نوشته ی عنی دشتی و صائب و سبک هندی» مجموعه مقالاتی است که در مورد صائب نوشته شده و محمد رسول دریاگشت آنها را جمع آوری کرده است. در هر یک از آثار نامبرده شده فقط اشاره ای به زبان عامه با ذکر نمونه هایی شده است و تنها منبعی که تا حدی به این موضوع مربوط می شود، کتاب «فرهنگ اشعار صائب» تألیف احمد گلچین معانی است که بیشتر به لغات، ترکیبات و تعبیرات رسمی و تاحدودی هم عامیانه پرداخته است. در این

فرهنگ به بسیاری از عناصر زبان عامه اشاره ای نشده است؛ مثلاً: اطوار، بسم الله، پیر شدن، روز خوش ندیدن، گل کاری، یللی و... بعضی از لغات و تعبیرات عامه که در این فرهنگ آمده اما به معنی مورد نظر در شعر صائب نپرداخته است؛ مانند: بی تهی، تکلیف

پرسش های تحقیق:

- آیا صائب در همه ی ابیاتش از عناصر زبان عامه استفاده کرده است؟
- آیا صائب از ضرب المثل های عامه در ابیاتش استفاده کرده است؟
- آیا ضرب المثل هایی که صائب از آن بهره جسته قبلاً استفاده می شده است؟
- آیا ضرب المثل هایی در اشعار صائب وجود دارد که ساخته ی خود شاعر است و بعد ها بر سر زبان ها افتاده باشد؟
- هدف صائب از کاربرد عناصر زبان عامه چه بوده است؟

شیوه ی کار: پس از تأیید و تصویب موضوع، استاد فاضل و ارجمند جناب آقای دکتر محمد بهنام فر و استاد گرمی و بزرگوار سرکار خانم دکتر بتول مهدوی به عنوان راهنما و مشاور انتخاب شدند، سپس با همکاری و راهنمایی های خردمندانه ی ایشان به تهیه و تدوین طرح و جمع آوری منابع و مآخذ مورد نیاز پرداخته، شروع به فیش برداری از عناصر زبان عامه در غزلیات صائب تبریزی نمودم. این مرحله (فیش برداری) به خاطر حجم زیاد کار، بسیار وقت گیر و طاقت فرسا بود؛ چر که بررسی بیت **بیت شش** تجلید دیوان صائب که حاوی ۷۰۱۵ غزل است کار سخت و دشواری بود؛ ولی لطف و عنایت خداوند متعال و راهنمایی ها و مشورت های خردمندانه ی استادان محترم راهنما و مشاور و تلاش و پشتکار حقیر در این زمینه، تمام مشکلات و سختی ها را بریم آسان کرد. از آنجا که تشخیص عناصر زبان عامه با زبان رسمی دشوار است و نمی توان مرز دقیقی برای آن قایل شد. سرانجام با راهنمایی های خردمندانه ی استادان محترم راهنما و مشاور زبان عامه ی رایج، ملاک تشخیص قرار گرفت. مواد جمع آوری شده پس از استخراج و طبقه بندی در سه بخش به شرح ذیل تنظیم شده است:

بخش اول: اندیشه و سبک شعری صائب

بخش دوم: زبان عامه و اهمیت آن

بخش سوم: زبان عامه در غزلیات صائب که شامل دو فصل به ترتیب ذیل می باشد:

فصل اول: لغات، ترکیبات و تعبیرات کنایی عامه

فصل دوم: ضرب المثل های عامه

در نگارش رساله نکات زیر مورد توجه نگارنده بوده است:

- ارجاعات درون متنی است. به این شکل: (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار: شماره ی صفحه)، لازم به ذکر است که در قسمت لغات، ترکیبات و کنایات، فقط نام فرهنگ های مورد استفاده و در قسمت ضرب المثل ها (نام کتاب، جلد: شماره ی صفحه) ذکر شده است.

- جهت مستند کردن عناصر زبان عامه بیت یا ابیاتی از غزلیات صائب به عنوان شاهد بیان شده است، در ارجاع ابیات نیز این شیوه اتخاذ شده است: (جلد دیوان / صفحه / شماره ی غزل)

- در مواردی که شواهد متعدد بوده است، به ذکر یک یا دو نمونه، بسنده شده و بقیه ی شواهد ارجاع داده شده است.

در خاتمه بر خود واجب می دانم از استاد فرزانه جناب آقای دکتر محمد بینام فر که با دلسوزی و پشتکار فراوان و با راهنمایی ها و راهکار های ارزشمندشان و نیز تهیه ی کتب مورد نیاز اینجانب را یاری کردند و همچنین از استاد فاضل سرکار خانم بتول مهدوی که با مشورت ها و پیشنهاد های ارزنده و تهیه ی منابع مورد نیاز حقیر را همراهی فرمودند و از استادان بزرگوار و اندیشمند که در دوره ی دو ساله گذرشناسی ارشد حق استادی بر گردن ما دارند و نیز از مسئولان محترم و کارکنان زحمت کش دانشگاه و دیگر دوستان مخصوصاً دوست عزیز و گرامیم جناب آقای محمد بخشایی زاده که در همه زمینه ها مخصوصاً تهیه منابع از هیچ کوششی دریغ نورزیدند و از دوست صمیمی و عزیزم جناب آقای محمد حسن نجفی که همکاری لازم را نمودند و نیز از همسر گرامی و فرزند عزیزم که در این مدت رنج ها و سختی های زیادی را متحمل شدند و دیگر عزیزانی که به نحوی در نوشتن این پایان نامه به من کمک نموده اند، تقدیر و تشکر، نمایم.

بخش اول:

اندیشه و سبک شعری

صائب

اندیشه و سبک شعری صائب

عصر صائب مصادف یا عصر اقتدار پادشاهان صفوی است. با آنکه پادشاهان صفوی اغلب ذوق و قریحه‌ی شاعری داشتند و شعر هم می‌گفتند ولی دوست نداشتند شاعران زبان به مدح آنها بکشایند. شاعران دیگر معدوحی نداشتند که او را مدح و ستایش کنند؛ همین امر باعث مهاجرت عده‌ی زیادی از آنان به هندوستان شد. در آن زمان دربار پادشاهان بآبروی هند محل تجمع شاعران هندی و ایرانی بود. آوازه‌ی شاعر نوازی سلاطین بآبروی باعث شده بود که شاعران زیادی از ایران آرزوی رفتن به هند را در سر داشته باشند. یکی از شاعران ایرانی که به هندوستان مسافرت کرد صائب تبریزی است. با ذوق و قریحه و استعدادی که در شعر و شاعری داشت به یکی از شاعران مشهور و پرآوازه تبدیل شد؛ چنان که خود در اشعارش به این نکته اشاره کرده است:

هند را چون نستایم که درین خاک سیاه خامه‌ی شهرت من شعله‌ی رعنائی یافت

۱۶۳۴/۸۰۷/۲

پیش از این هر چند شهرت داشت در ملک عراق سیر ملک هند صائب را بلند آوازه کرد

۲۳۷۹/۱۱۷۱/۳

شعر این دوره که به سبک هندی معروف شده است؛ تحولی بزرگ در عرصه‌ی ادبیات مخصوصاً شعر به وجود آورد و باعث شد که ادبیات از یکنواختی و رکود بیرون آید و سبکی متفاوت و متنوع نسبت به گذشته پایه‌گذاری شود.

محمد علی صائب تبریزی یکی از پرکارترین و پرشعرترین شاعران سبک هندی است. کلیات دیوان وی را تا دویست هزار و سیصد هزار بیت نوشته‌اند که مقرون به مبالغه است. (صفا، ۱۳۷۲ ج ۵: ۲: ۱۲۷۷) اشعار او عموماً مثنوی، قصیده و غزل است. شهرت شاعری وی به خاطر غزل‌های فارسی است که دارای مضامین عرفانی، حکمت و معنی‌آفرینی است؛ البته غزل‌هایی به زبان ترکی هم دارد.

سبک شعری صائب در پی ویژگی‌هایی است که به ذکر آن پرداخته می‌شود:

ویژگی‌های ادبی: صائب و دیگر شاعران سبک هندی در پی آوردن مضمون‌های تازه و رنگارنگ و پیچیده بودند و علت این ویژگی را این‌طور بیان نموده‌اند: «چنین نهضتی طبعاً نتیجه‌ی خستگی و ملالت شاعران از تکرار اندیشه‌ها و گفته‌های پیشینیان بود» همان، ج ۵: ۵۴۳

شاعر برای ساختن این مضامین سعی و تلاش زیادی می کرد و اگر شاعری از مضامین ساخته شده ی شاعر دیگر استفاده می کرد به شدت مورد سرزنش و مذمت قرار می گرفت .
صائب را باید خداوندگار مضمون های تازه نامید . وی همیشه به دنبال مضمون های نو و بکر بوده و پیدا کردن مضمون برای او مشکل نبوده است. «جستجوی مضمون تازه که برای شاعران قدیم همواره مشکلی بوده است برای صائب گویی سر گرمی به شمار می آمده است و مثل شکار در دشت تفریح ساده ای بیش نبوده است.» (زرین کوب. ۱۳۸۲: ۲۹۵)

«هیچ معنا و مضمونی در جهان نیست که در شعر صائب نیامده باشد . او از گل قالی ، تند باد بیابان و تبخال ، مضمون ساخته است .» (شمیسا ، ۱۳۸۱ : ۲۹۷) صائب به هر چیز که می نگریسته در وی عکس العملی پدید می آمده و آن عکس العمل را در قالب بیت یا ابیاتی بیان کرده است. به گفته ی انوری: «از درو و دیوار صائب شعر می بارد . از هر نکته ای هر چند پیش پا افتاده ، شعری آبدار می ساخته است . هر شی یا حادثه ای می توانسته مضمونی باشد و موضوعی برای شعر.» (شعار ، مؤتمن ، ۱۳۷۱ : ۲۶)

«منابع مضمون های صائب انسان است و جهان ... ذهن او منام می کوشد نسبتی و رابطه ای بین انسان و طبیعت و انسان برقرار کند.» (کریمی ، ۱۳۷۷ : ۲۶) گاهی برای یافتن مضامین تازه تلاش زیادی هم می کرده است و رنج های زیادی را متحمل می شده است ، و خرده هایی هم بر او می گرفته اند :

به فکر معنی نلرزک چو مو شدم باریک چه غم ز موی شکافان خرده بین دارم

۵۷۴۱/۲۷۷۲/۵

«در شعر صائب جهان و همه ی مظاهر آن از بزرگ و کوچک و طبیعت آن گونه که او آنها را دیده و احساس کرده و در ذهن و خیال خویش پرورانده و تعبیر نموده ، جلوه گر است . از این رو تخیلی آفریننده بر شعر او حاکم است همراه با درون نگری .» (یوسفی ، ۱۳۸۳ : ۲۹۲)
در اشعار وی تکرار مضامین و معانی زیاد به چشم می خورد . گاهی دیده می شود که یک مضمون را چند بار عیناً یا با تغییر اندک بیان کرده است . مثال :

چین بر پیشانی چون آینه ی خویش مزین تنگ بر طوطی خوش حرف مکن میدان را

۵۴۳/۲۶۷/۱

گره به جبهه ی آینه وار خویش مزین مکن به طوطی خوش حرف تنگ میدان را

۶۳۵/۳۱۰/۱

سبزه ی خط عرصه را برعارض او تنگ ساخت طوطی خوش حرف از آینه میدان را گرفت

۱۳۸۰/۶۸۷/۲

محو شد در حسن آن کان ملاحظ دیده ها از زمین شور . بیرون شد نباشد دانه را
۲۲۵/۱۱۴/۱

هر که آمد پیش آن کان ملاحظ سر گذاشت از زمین شور . بیرون شد نباشد دانه را
۲۲۷/۱۱۶/۱

گویا سبب تکرار مضامین، زیادی شعر وی بوده است .

مضمون تازه در سرتاسر دیوان او موج می زند و کمتر غزلی می توان یافت که در آن
مضمونی تازه وجود نداشته باشد. «مضمون در اشعار صائب همانند خون که در رگهای آدمی
جریان دارد ، به روانی دیده می شود و همان طور که وجود خون و جریانش حیات انسان را
تضمین می کند وجود مضمون نیز در اشعار او جاودانگی حیات ادبی او را استوار می سازد.»
(سامانی ، ۱۳۷۱ : ۹۶)

یکی دیگر از ویژگی های شاعران سبک هندی و صائب تلاش بری پیچیده گویی و دشوار
گویی است و صائب بیش از هر شاعری دیگر این ویژگی را توصیف کرده است و معتقد است که
معنی پیچیده و دشوار بدون تفکر و تأمل حاصل نمی شود و باید برای بدست آوردن آن سعی و
تلاش زیاد کرد :

معنی پیچیده بی زحمت نمی آید به دست می شود از پیچ و تاب فکر ، جوهر دار حرف
۵۱۶۳ . ۲۴۸۷/۵

معنی رنگین به آسانی نمی آید به دلالت در تلاش مطلعی زد غوطه در خون، آفتاب
۸۷۶/۴۳۱/۱

فرو رو در سخن تا دامن معنی به دست آری که بی غواصی از دریا گهر بیرون نمی آید
۳۲۲۳، ۱۵۵۹، ۱

صائب از پیچ و خم زلف سخن، مویی شد این قدر نیز نباید به سخن پیچیدن
۶۲۹۳، ۳۰۴۵، ۶

تا چو ابرو مطلع بر جسته ای انشا کنی عمر ها زلف سخن را شانه می باید کشیدی
۲۷۶۸، ۱۳۵۰، ۳

نیست آسان معنی پیچیده صائب یافتن رهنما از پیچ و تاب است این ره پیچیده را
۲۱۰/۱۰۷/۱

«قصه ایشان از تراشیدن معانی متعدد و غریب برای شعر آزمودن خویش و دیگران بود و
در واقع یک نوع مسابقه ی دانایی و نمایش قدرت ذهن بود.» (فتوحی . ۱۳۷۹ : ۳۳)

«این توجه به آوردن معنی جدید یا معنی برجسته و لفظ نو عادتاً» اختراع سخن» و تازه گویی «نامیده می شد و گفتار و سبک «مخترعان سخن» یا «تازه گوینان» را «سخن تازه» و «شیوه ی تازه» و «روش تازه» و «طرز تازه» می نامیدند.» (صفا، ۱۳۷۲، ج ۵/۱ : ۵۴۷)؛ چنان که صائب در این باره گفته است :

هرکس به ذوق معنی بیگانه آشناست صائب به طرز تازه ی ما آشنا شود

۴۳۶۰:۲۰۴۸/۴

میان اهل سخن امتیاز من صائب همین بس است که با طرز آشنا شده ام

۵۷۱۸/۲۷۶۱/۵

ویژگی دیگر اشعار صائب کاربرد تشخیص است. وی به همه چیز شخصیت و حیات بخشیده است. در نگاه او همه چیز جان دارند و در حرکتند.

«تشخیص . یکی از زیباترین گونه های صور خیال در شعر . تصرفی است که در ذهن شاعر در اشیاء و عناصر بی جان طبیعت می کند و از رهگذرنیروی تخیل خویش بدان ها حرکت و جنبش می بخشد و در نتیجه هنگامی که از دریچه ی چشم او به طبیعت و اشیاء می نگریم همه چیز در برابر ما سرشار از زندگی و حرکت و حیات است.» (شفیع کد کنی ، ۱۳۷۲ : ۱۴۹)
مؤلف کتاب چشمه ی روشن به نقل از دکتر زریاب خوبی گفته است : «شاید گسترش افکار عرفانی و آمیخته با تفکر فلسفی در قرون نهم و دهم - که منبع آن را هند دانسته اند - و یا پیدایش کسانی مانند محیی الدین ابن العربی و دیگران انتشار یافته .» موجب شده باشد که همه چیز در نظر شاعران آن روزگار « انسان وار » جلوه کند و دارای عاطفه و احساس و رازگو باشد .
(یوسفی ، ۱۳۸۳ : ۲۹۰)

«در دنیای صائب در و دیوار و کوه و دشت و سنگ و آب و درخت و سبزه و گل و کفتی و کلاه و عصا و ردا و دیگر اشیاء و عناصر طبیعت و حتی صفات و غرایز، شخصیت دارند . حسد می ورزند . عشق بازی می کنند . با ما گفتگو ها دارند.» (سیاسی ، ۱۳۷۱ : ۱۵۱)
از نظر صائب خلق عشق تنگ است . دُن بیابان از ریگ روان بدون غبار و کدورت است .
علاقیق دستشان از دامن همت کوتاه است . جگر دانه ی تسیح سوراخ شده است . برق آسمان گریان از کشتزار می گذرد ، سیل با شرمساری و خجالت از ده ویران گذر می کند . نبض ره می جهد و سینه ی صحرا گرم است . صبح محشر از جگرش نفس سرد می کشد . طوفان نفس راست می کند . موج دست از دامان دریا بر نمی دارد و صد ها مورد دیگر:

نگردد تنگ خلق عشق از بی تابی عاشق غباری نیست از ریگ روان در دل بیابان ر

۲۰۲۳۰۳۰۱

علايق را بود کوتاه دست از دامان همت ز گرد ره نباشد زحمتی گردون سواران را
۴۰۹/۲۰۶۱

جگر دانه ی تسبیح از آن سوراخ است که به سر رشته ی زنار رساند خود را
۴۹۹/۲۴۶۱

برق چون ابر بهار از کشت من گریان گذشت سیل گرد آلود خجالت زین ده ویران گذشت
۱۳۵۶/۶۷۵/۲

که گذشته است از این بادیه دیگر کامروز می جهد نبض ره و سینه ی صحرا گرم است
۱۴۸۴/۳۳۷/۲

صبح محشر ز جگر صد نفس سرد کشید همچنان بستم از آتش سودا گرم است
۱۴۸۴/۳۳۷/۲

در تنوری چه نفس راست نماید طوفان؟ سر این باده ی پر زور گرفتن ستم است
۱۴۸۳/۳۳۶/۲

موج از دامان دریا بر ندارد دست خویش جان عاشق را که از جانانه می سازد جدا
۳/۴/۱

ویژگی دیگر شعر صائب و دیگر شاعران سبک هندی کاربرد «تمثیل» است. شاعر در یک مصراع مضمون و ادعایی می آورد و در مصراع دیگر برای اثبات آن مثالی ذکر می کند. در کتاب چشمه ی روشن تمثیل این گونه بیان شده است: «در یک بیت دو مصراع هم از لحاظ نحوی و هم از نظر معنی و اندیشه از یکدیگر جدا و مستقلند اما در عین حال رشته ی معنوی ظریف و پوشیده ای آن دو را به هم می پیوندند.» (یوسفی، ۱۳۸۳: ۲۹۷) مؤلف کتاب صور خیال در شعر فارسی در تعریف تمثیل گفته است: «تمثیل در معنی دقیق آن می تواند در شکل معادله ی دو جمله مورد بررسی قرار گیرد و تقریباً مجموعه ی آنچه متأخرین بدان تمثیل اضلاع کرده اند و معادله ای است که به لحاظ نوعی شباهت میان دو سوی بیت - دو مصراع - وجود دارد و شاعر در مصراع اول چیزی می گوید و در مصراع دوم چیزی دیگر، اما دو سوی این معادله، از رهگذر شباهت قابل تبدیل به یکدیگر و شاید برای جلوگیری از اشتباه بتوان آن را اسلوب معادله خواند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۸۴)

انوری در مقدمه ی برگزیده ی اشعار صائب تبریزی تمثیل را به دو کفه ی ترازو تشبیه کرده است که در کفه ی شاعر تمثیل را و در کفه ای دیگر پیام خود را می نهد. (شعار، مؤتمن،

(۲۶: ۱۳۷۱)

شاعران سبک هندی از جمله صائب تبریزی برای ساخت بیت شگرد خاصی داشته اند :
 « آنان به مصرع معقول که مهم نیست « پیش مصرع » و به مصرع محسوس که باید هنری باشد
 « مصرع » می گفتند که اگر درخشان بود مصرع برجسته خوانده می شد. شاعر به فکر مصرع
 برجسته بود و بعد از یافتن آن بود که برای کامل کردن آن پیش مصرعی می ساخت و به اصطلاح
 آن را به پیش مصرع می رساند؛ مثلاً نوشته اند که صائب در راه سگ نشسته ای را دید و به
 نظرش آمد که سگ وقتی نشسته است سرش را بلند می کند اما وقتی که ایستاده است سرش را
 پایین می گیرد؛ این مصرع را گفت : سگ نشسته ز استاده سرفرازتر است . سپس « پیش مصرع
 رساند » شود ز گوشه نشینی فزون رعونت نفس .» (شمیسا ، ۱۳۸۱ : ۲۹۰) از این طریق شاعران
 بیتی می ساختند که یک مصرع آن مصرع برجسته نامیده می شد که به آن تمثیل می گفته اند . و
 معمولاً تکیه ی صائب بیشتر روی مصرع محسوس « مصرع برجسته » بوده است .

«تمثیل در سبک هندی بیش از هر دوره ای دیگر مورد استفاده ی شاعران بوده است و
 استفاده ی ایشان از تمثیل گاه به حدی زیباست که زیبایی و تاثیر همه ی انواع خیال را تحت
 الشعاع قرار می دهد. آنگونه که در شعر صائب می بینیم.» (شفیع کد کتی ، ۱۳۷۲ ، ۳۹۱)
 «این ویژگی سبک هندی از حکمت عامه و از طرز استدلال مردم کوچه و بازار گرفته شده
 است و مردم عموماً گرایش به این دارند که حرفشان را با استشهاد به یک نمونه ی عینی و
 ملموس استدلال کنند.» (لنگروی ، ۱۳۷۲ : ۸۰)

در تمثیل شاعر سعی دارد ادعا و مضمون خود را با آوردن مثالی عینی و ملموس سازد ؛ در این
 ویژگی را شبیه سبک باروک دانسته اند؛ در سبک باروک گرایش و تأکید بر صورتهای عینی و
 تجسمی است و هنرمندان این سبک می کوشند به هر نحو ممکن افکار و احساسات خود را به
 صورت عینی مجسم سازند.» (بهنام فر ، ۱۳۸۲ : ۵۸)

«اگر هر کدام از شاعران مشهور عصر صفوی (سبک هندی) را دارای ویژگی هایی بدانیم .
 ویژگی های خاص و عمده ی صائب بدون تردید تمثیل است .» (سیاسی ، ۱۳۷۱ : ۱۴۶)
 بسیاری از تمثیل های صائب به صورت ضرب المثل در آمده و در افواه عامه جاری و
 ساری شده است. برای نمونه چند بیت از غزلیات صائب که در آن تمثیل به کار رفته است ذکر
 می شود :

حرص پیران شد زیاد از ریزش دندان به نان دانه خواهد بیش چون افتد ز کارین آسیا

۳۰۸ ۱۵۸۱

پاکان ستم ز دور فلک بیشتر کشند گندم چو پاک گشت خورد زخم آسیا

۶۷۵ ۳۲۹۱

دشمن خونخوار را کوتاه به احسان سازدست
هیچ زنجیری به از سیری نباشد شیر را
۶۴/۳۵/۱

مگیر از دهن خلق حرف را زنهار
به آسیا چو شدی پاس دار نوبت را
۵۹۰/۲۸۹/۱

گوشه گیران زود در دلها تصرف می کنند
بیشتر دژ می برد خالی که درکنج لب است
۹۶۱/۴۸۷/۲

شد از گرفتگی عقل کار بر من سخت
سزای سنگ بود پسته ای که خندان نیست
۱۸۰۵/۸۸۹/۲

شد سرمنصور آخر گوی چوگان فنا
میوه چون شد پخته خود را از شجر می افکند
۲۵۸۲/۱۲۶۴/۳

دل می خورد غم من و من می خورم غمش
دیوانه ، غمگساری دیوانه می کند
۴۲۰۷/۲۰۲۲/۴

پیران تلاش رزق فزون از جوان کنند
حرص گدا شود طرف شام بیشتر
۴۷۲۹/۲۲۸۲/۵

عقل بیهوده به گرد دل ما می گردد
دیور راه نباشد به پریخانه ی عشق
۵۱۸۴/۲۴۹۸/۵

دشمن خانگی از خصم برونی بتر است
اختیار سر خود را به زبان نگذاری
۶۸۳۳/۳۳۲۳/۶

غزل های صائب اغلب وحدت معنی یا موضوع ندارد و شاعر سعی کرده است که مضمون های تازه و غربی را که از طبیعت و جهان پیرامون خود دریافت می کرده ایجازوار در یک بیت بیان کند. در نتیجه هر بیت در موضوع و مضمونی واحد سروده شده است و همین امر موجب شده است که تک بیت های او مورد پسند طبع عامه ی مردم واقع شود و به صورت مثل بر زبان ها جاری شود.

« خصوصیت برجسته ی این شیوه گسیختگی معانی و پریشانی اندیشه های سرایندهگان آن است که هر بیتی از عالمی ویژه ی خویش سخن می گوید و حتی در یک غزل گاه معانی متضاد با یکدیگر در کنار هم قرار می گیرند. » (شفیع کدکنی ، ۱۳۶۱ : ۲۹)

شاعر این شیوه . مضامین و معانی را در یک بیت ، در کمترین و کوتاه ترین لفظ ، ایجاز گونه بیان می کند. حتی در اکثر موارد « مدخل معنایی مصراع است . » (همان : ۷۴) یعنی تمام مضامین و مفاهیم در یک مصراع خلاصه شده است ؛ مانند این بیت صائب :

فکر شنبه تلخ دارد جمعه ی اطفال را عشرت امروز ، بی اندیشه ی فردا خوش است

۱۰۱۲/۵۱۳/۲

تعداد ابیات غزل معمولاً از شش یا هفت بیت کمتر و از دوازده یا سیزده بیت بیشتر نباید باشد اما صائب در بند رعایت این قانون و ضابطه نبوده است و غزلیاتی دارد که حداقل چهار بیت و حداکثر سی و سه بیت است . برای مثال غزل چهار بیتی با مطلع :

به هر نوعی که می خواهد دلت بشکن دل ما را که از مستان نمی گیرند خون جام و مینا را

۳۳۲/۱۷۰ ۱

غزل سی و سه بیتی با مطلع :

اگر دل از علایق کنده باشی به منزل بار خود افکنده باشی

۶۹۸۷/۳۴۰۵/۶

« علت اینکه غزل از لحاظ تعداد بیت حد و حدودی ندارد این است که شاعر سبک هندی تک بیت گوست؛ یعنی قالب حقیقی مفردات است متنها شاعر این ابیات مستقل را به وسیله قافیه و ردیف به هم گره زده است . » (شمینا ، ۱۳۸۱ : ۲۹۹)

تکرار قافیه در غزل عیب است ولی صائب در اکثر غزلهایش قافیه را چندین بار تکرار کرده است . مثلاً در غزلی با مطلع :

گر آن شیرین سخن تلقین کند گفتار طوطی را سخن شکر شود در پسته ی منقار طوطی را

۴۴۰/۲۱۹/۱

واژه ی قافیه « گفتار » پنج بار تکرار شده است .

در غزلی دیگر با مطلع :

در هوای ابر لازم نیست در مینا شراب می کند هر قطره باران کار صد دریا شراب

۸۸۰/۴۳۴/۱

واژه ی قافیه « مینا » پنج بار تکرار شده است .

علت اساسی آن را بهره گیری شاعران ، از معنی قافیه در مضمون بندگی های خود ،

می دانند. (صفا، ۱۳۷۲ ج ۵/۱ : ۵۱۳)

در غزلیات صائب کمتر غزلی می توان پیدا کرد که ردیف نداشته باشد. اغلب غزلهایش دارای ردیف است. «ردیف در حقیقت برای تکمیل قافیه بکار می رود و به طور قطع می توان ادعا کرد که حدود هشتاد درصد غزلیات خوب زبان فارسی همه دارای ردیف هستند و اصولاً غزل بی ردیف به دشواری موفق می شود و اگر غزلی بی ردیف زیبایی و لطفی داشته باشد کاملاً جنبه ی استثنایی دارد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۱۳۸)

«استفاده از ردیف در دیوان غزلیات صائب سبب خوش آهنگی شعر و ارتباط ابیات با یکدیگر و خلق مضمون ها و تصویرهای بدیع شده است، در سراسر دیوان صائب فقط دو غزل بی ردیف یافته اند.» (یوسفی، ۱۳۸۳: ۲۹۷) که البته چنین نظریه ای درست به نظر نمی رسد چراکه تنها در جلد اول دیوانش حدود سی غزل بدون ردیف وجود دارد.

در غزلیات صائب آرایه ی تلمیح کاربرد زیادی دارد. اغلب از تلمیحاتی استفاده کرده است که عمومیت دارد و بسیار رایج است؛ مثلاً، اشاره به داستان های حضرت یوسف، حضرت ابراهیم، حضرت سلیمان، حضرت آدم، حضرت موسی و غیره در اشعار او بازتاب گسترده ای دارد:

ز چندین آه اگر یک آه اثر دارد غنیمت دان / که دایم ماه مصر از چاه کنعان بر نمی آید

۳۲۱۶/۱۵۵۶/۳

هر که زد بر آتش خشم آب، مانند خلیل / آتش سوزنده را بر خود گلستان می کند

۲۵۶۱/۱۲۵۴/۳

حق محال است به مرکز نرساند خود را / در کف دیو قراری نبود خاتم را

۵۱۲.۲۵۳/۱

خرد م شمار گنه را که گناهی است بزرگ / گندمی کرد ز فردوس برون، آدم را

۵۱۲.۲۵۳/۱

مشو در راه امن احتیاط ای راهرو غافل / که موسی بی عصا در وادی ایمن نمی آید

۳۲۱۹/۱۵۵۷/۳

نظریه گویی و استقبال و جوابگویی یکی از ویژگی های شعری شاعران سبک هندی است اگر چه اندیشه های نوآوری در میان آنها رواج داشت اما توجه خاصی به جوابگویی و تقلید اثرهای معروف گذشتگان داشتند.» (صفا، ۱۳۷۲، ج ۵/۱: ۵۴۹)

صائب در غزلیاتش بسیاری از شاعران هم عصر خودش و نیز از گذشتگان یاد کرده است. در حقیقت به جوابگویی غزلیات شاعران پرداخته است. ز میان شاعران گذشته، بیشتر از همه به